

گذارد از «چه کند؟» به «که باشد؟»
چرخش فضیلتی در اخلاق فلسفی معاصر

در ۱۹۳۰ س. دی براد برای نخستین بار تقسیم نظر ات فلسفه اخلاق به دو دسته غایتگرا و وظیفهگرا را پیشنهاد کرد و به سرعت به نوعی دوگانه معارفتی تبدیل شد. معمولاً جنبش اخلاق فضیلتی (به تعبیری چرخش فضیلتی (aretic turn اسکروفرنی) عنوان با استاکر ماکل مهم مقاله نوز و («مدرن اخلاق فلسفه») آنسکوم ال زابت ۱۹۵۸ مقاله با (turn نظر ات اخلاقی مدرن» (۱۹۷۶) (که هر دو در هم منجموعه ترجمه شده است) مرتبط دانند. این دو مقاله و تقریباً آراء تمامی فیلسوفان معاصر فضیلتگرا همچون مکانتا، فلپاوت، پینکاف، هرستهاوس شامل دو بخش انتقاد اسلیبی (که نظر پهای غایتگرا، وظیفهگرا و به طور کلی عملگرا را نفی و نقد کرد) و بخش تأسیسی و اجابتی (که پیشنهاد کرد که هنجارهای اخلاقی را نه در مفاهیم الزام و تکلیف بلکه با دیدن فضایل انشعاب جستجو کرد که آدمی برای شکوفایی و کمال خود به آن‌ها نیاز دارد) بود. این نظر ه سوم، نه راهی مانه و نه جمع دود نگاه قبلی، بلکه احاد و بازگشت سنت اخلاقی فلسفه یونان و قرون وسطی بود، به زودی چنان جای خود را باز کرد که دیدگاههای رقیب نیز به تکیه و تعدیل نظر پهای خود پرداختند و آرائی ترکیبی ارائه دادند، هرچند حد و مرزهای آموزشی فلسفه اخلاق بنام چگاه دیدگاههای پژوهشی راهبری کند چنانکه حتی تصور و تقسیم پدیدامدگرا آنه از کانت عرضه شده است. اما اخلاق فضیلتگرا مانند هر نظر ه فلسفی مدعی تبیین بهتر و جامعتر از پدیدارهای مورد نظر (در اینجا اخلاقی) است. به ادعای او منش و پشت صحنه فعل معنی فاعل از نظر پهای وظیفهگرا و پدیدامدگرا غایتگرا است و این معنی توجه نداشتن به هسته سخت اخلاق. این نظر ه، بالندگی فضیلت فرد انسان و شهکنی رذایل را بهترین تضمین برای صدور اعمال نیک (افعال درست) ممانند. در یک کلام به ما مگوید: «که باشد؟» تا اینکه «چه کند؟» با دیدن پشت صحنه آدمی حال و هوای ایجاد شود تا در صحنه رفتار او نمایشی «خوب» به تصور آید. پریشی که افلاطون (سقراط) و ارسطو هزاران سال پیش در انداخته بودند و به محقق ابرهای پدیدامدگرای وظیفهگرای (نظر پهای عملمحور) رفته بود، این بود که چه و ژگی های منش خوب شدن انسانها را موجب م شود؟ در یونان باستان این و ژگی ها عنوان عام اولی، دانست می جزء سه دارای را آن که خود خاص شناسی نفس با افلاطون، اخلاق قلمرو در اما داشت را (برتری) arête اشارات فلسفی را به فضیلت سه گانه این اجزاء دارد. حکمت فضیلت جزء عقلانی، عفت فضیلت جزء شهوانی و شجاعت فضیلت جزء هنجاری و عاطفی و عدالت فضیلت هماهنگ کننده این اجزاء است.

هرچند افلاطون (سقراط) نخستین فیلسوفی است که از فضیلت و انواع آنها در آثار خود اده کند و به تبیین آن م پردازد، اما نخستین تبیین جدی و شرح جامع فلسفی را در آثار فلسفی خصوصاً در دفتر دوم اخلاق نیکوماخوس ارسطو م توان یافت. او با پذیرش علم النفس افلاطونی، معاری برای تشخیص فضیلت به نام حد وسط مطرح کرد که در مانه دور ذیلت قرار دارد. این فیلسوفی ارسطویی در فلاسفه بعدی تکیه و تشریح م شود. در قرون وسطی، تفکر و الاهیات مسیحی، مفهوم خداوند را وارد این نظام اخلاقی کرد و این امر هم در فهرست فضیلت و نیز در نسبت و نظام رتبی فضیلت تأثیر نهاد. برترین فضیلت چه در آگوستین چه در آکوئیناس در نسبت با خداوند تعریف م شد. اما مقاله احادگرانه و جبر انساژ آنسکوم (۱۹۵۸) [که در هم منجموعه آمده است] از پورتگ شدن اخلاق الزاممحور در دوره مدرن و افول اخلاق فضیلت اده کند. اخلاق الزاممحور را تیی حقوقی از اخلاق است، که مبنای آن خدای شارع است، خدای که در دوره مدرن مرده اند مچنان شده است. آنسکوم در این مقاله پرده از مفهوم تناقض آمیز قانون بدون قانون گذار برمی دارد. علاج واقعه اما از نظر آنسکوم، رجوع به ارسطو و اخلاق فضیلتگرا م است. بدین ترتیب این مقاله و مقاله پرچارده («آ فلسفه اخلاق مبتنی بر خطاست؟») مطلع احاد اخلاق فضیلت در دوره معاصر است و در پی آن، فیلسوفان بسیاری این نگرش را محور پژوهشهای اخلاق شناسانه خود قرار م دهند، از جمله فلپاوت و مکانتا، پینکاف و فلپس، ماکل اسلوت و هرستهاوس باروا تهای گوناگون از این نظر ه. اخلاق فضیلتگرا با مفاهیم اخلاقی دیگری چون کمال، سعادت، مصل و عاطفه و نیز فضیلت فکری تبیین بهتری م شوند.

اخلاق فضیلت طی چند دهه های که از احاد آن م گذرد، در معرض نقدها و اشکالات بسیاری بوده و مدافعان به صقل دادن و تنقیح آن پرداخته اند که در برخی مقالات این مجموعه به آن اشاره م شود. نفوذ اخلاق فضیلت در حوزه های

فلسفه موجب طرح مباحث جدی در معرفتشناسی معاصر با عنوان معرفتشناسی فضیلت‌محور و فضایل فکری شده است. شوق کار در این مجموعه را به شهادت دوست دانشورم، جناب آقای دکتر انشاءالله رحمتی اکبر کرد. در این مقالات و کتابهای بسیاری که به زبان انگلیسی در باب اخلاق فضیلت منتشر شده است، به حکم مضیق بودن مجال این دفتر محکوم به گزینش چند مقاله کلاسیک و نیز چند معرفی جامع و مختصر (همچون مدخل «اخلاق فضیلت‌نگر» دانشنامه فلسفه استنفرد) و نیز معرفی چند کتاب انگلیسی و فارسی در زمینه اخلاق فضیلت از فلاسفه فضیلت‌نگران و نیز کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی فارسی در زمینه اخلاق فضیلت شدیم. امید که بتوان در مجموعه‌های مدون و مبسوط، کتاب راهنمای (Companion) در باب اخلاق فضیلت را گردآوریم. تاکنون در زبان فارسی یک شماره از هم‌نام مجله اطلاعات حکمت و معرفت (سال نهم، شماره ۹، پیاپی ۱۰۴) و نیز شماره ۷۰ (تیر ۱۳۹۰) از مجله کتاب ماه فلسفه که پرونده‌های در باب فضیلت‌نگرای معاصر رُزالی بن هرستهاوس منتشر کرد، به اخلاق فضیلت پرداخته و اینک سومین مجموعه در دست اخلاقی‌پژوهان و فلسفه‌خوانان فارسی زبان است.

در این مجموعه به دغدغه منتظر ملاحظات و نقد و نظرهای خوانندگان بر ماده و صورت این مجموعه است امید که فضیلت اخلاق زمینه در درسی مرجعی و منبع و راهنمای کتابی در را آنها تا (makhavan77@gmail.com) انتشار آن بر همه بنیادها رود، لحاظ کند. بمنه و کرمه.

منابع

ریچلز، جیمز، فلسفه اخلاق، ترجمه آرش اخگری، انتشارات حکمت، ۱۳۸۷. // لاودن، روبرت، «اخلاق فضیلت»، دانشنامه فلسفه اخلاق، و راسته پل ادواردز، ترجمه و تدوین: انشاءالله رحمتی، نشر سوفیا، تهران، ۱۳۹۲.
مهدی اخوان (عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی)